

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم : بریگیته کوک

برگردان از: حمید بهشتی

۲۲ جولای ۲۰۱۱

ندیده گرفتن جنایات ناتو در لیبیا

هنوز جنگ سوم ناتو در خلیج علیه عراق آغاز نگشته بود که فقط در برلین یک میلیون آدم به خیابانها رفتند تا علیه جنگ افروزی جنایتبار مزبور اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند.

چرا در مورد لیبیا چنین نیست؟

درست مانند یوگوسلاوی در سال ۱۹۹۹ است که سیاستمداران و رسانه های غرب با توسل بدین کذبیات که رهبری آن کشور دست به جنایت در حق مردم بی سلاح زده است، خواستند اذهان مردم را برای انجام مقاصد خویش آماده سازند. اما آنچه تازگی دارد اینست که شورای امنیت سازمان ملل نیز ظاهراً با تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ توافق خود را با جنگ ناتو علیه لیبیا اعلام نموده است. اما در واقع چنین نیست!! با اینکه قطعنامه مزبور بسیار چند پهلو نوشته شده است، قرار بر این بود که به وسیله آن ممنوعیت پروازی برای هواپیماهای قذافی به وجود آید. زیرا که آنها مدعی بودند قذافی به مردم خود که با رهبری جمهوری خلق لیبیا مخالف بوده اند حمله می کند. اما در پس این مدعا دو دروغ بزرگ پنهان اند:

۱- به وسیله نظارت نظامی از فراز آسمان اثبات گشته است که قذافی هرگز به مردم غیر مسلح آن کشور حمله نکرده است! او فقط چند مرکز نظامی در بنغازی را که به دست شورشیان افتاده بود (که در آن زمان به کمک نظامی نفرات ناتو که از کشتی های مستقر در سواحل مجاور آمده و به داخل کشور رخنه کرده بودند)، متلاشی کرد. و یک چنین کاری را هر کشور دیگری هم در جهان انجام می داد.

۲- دخالت خودسرانه و خلاف قوانین بین المللی ناتو به امور داخلی یک کشور در سایه حمایت سازمان ملل حقانیت این سازمان را به کلی مخدوش می سازد. زیرا که سازمان ملل به عنوان یک مقام بین المللی متشکل از کشورهاست که برای حفظ صلح به وجود آمده و نه برای فراهم ساختن مقدمات جنگ های تهاجمی. همچنین سکوت سازمان ملل در قبال رفتار جنایت آمیز ناتو را نیز باید به معنی توافق آن با اینگونه رفتار ارزیابی نمود!!!

متأسفانه هم روسیه و هم چین گذاشته اند که:

آ) حتا به ظاهر هم که شده به هنگام تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ به بند ۲۷ بیانیه سازمان ملل توجهی مبذول نگردد. مفاد این بند حاکی از این است که هر قطعنامه سازمان ملل فقط در صورتی می تواند دارای اعتبار باشد که مورد تأیید تمامی اعضاء شورای امنیت باشد.

به یاد داشته باشیم که هم روسیه و هم چین از دادن رأی خود امتناع ورزیدند.

ب) پس از آن هم که معلوم شد که ناتو از حمایت سازمان ملل برای بمباران هائی که انجام شد سوء استفاده می کند، مخالفتی با بمباران شهرهای لیبیا توسط ناتو نکردند.

پ) مارگلو، نماینده ای که از جانب مدودیو، رئیس جمهور روسیه، به بنغازی فرستاده شد کاملاً خلاف حقوق بین الملل خواهان استعفای قذافی گشت.

هرکه اندکی نیز آگاه باشد، می داند که حاکمیت و مصونیت عرضی هر کشور شامل بر مصونیت رهبر منتخب مردم آن کشور نیز می باشد و هر که خواهان نفی این مطلب باشد، از مقررات حقوق بین الملل تجاوز می نماید!! المان نیز که به اتفاق روسیه و چین در سازمان ملل به قطعنامه ۱۹۷۳ رأی ممتنع داد در این بین در داد و غال جنگی سایر کشورهای ناتو مشارکت نموده و حتا قصد دارد در صورت درخواست آنان، جنگ افزار در اختیارشان بگذارد. اما این کار بر طبق پراگراف اول ماده ۲۶ قانون اساسی المان ممنوع است. برطبق این ماده: «اعمالی که ناقض همزیستی مسالمت آمیز ملل بوده و بدین قصد صورت گیرند، به ویژه در صورتی که برای فراهم آوردن آمادگی های لازم برای تهاجم جنگی باشند، ناقض این قانون اساسی بوده، می بایست مورد مجازات قرار گیرند.» آری، حال که حتا سازمان ملل متحد خود خلاف حقوق بین الملل عمل می کند، چگونه می توان انتظار داشت که المان از مشارکت در آن عقب افتد؟ اینجاست که باید پرسید: آیا ما مردم گیتی حاضر هستیم به این کار تن دهیم؟

* * * * *

تفسیر تلاکسکالا:

خانم بریگیته کوک در مقاله بالا اظهار شک می کند به اینکه قذافی به بخشی از مردم لیبیا حمله کرده باشد. وی همچنین مدعیست که قذافی فقط به شورشیانی که از خارج کشور به مرزهای لیبیا رخنه کرده اند حمله کرده است و نه به مردم غیر مسلح.

علاوه بر اینها بریگیته کوک به صورت غیر مستقیم ادعا می کند که رهبری لیبیا منتخب مردم می باشد. اینگار او که سالها پیش با یک کودتای نظامی قدرت را به دست گرفت و مانند مبارک و هونکر خود را توسط مردم در انتخاباتی ۹۸ درصدی به انتخاب رساند، می تواند به عنوان رهبر منتخب مردم تلقی گردد.

از هر دو سو گزارشاتی وجود دارند که طرف مقابل را نسبت به هجوم به مردمان غیرمسلح مقصر قلمداد می کنند، هم از جانب ناتو و هم از جانب نیروهای قذافی. احتمالاً هم این کار از هر دو سو صورت گرفته است. زیرا چگونه ممکن است که مردم عادی از حملات انجام شده مصون مانده باشند؟

قذافی با حاکمیت اقتدار منشانه خود تظاهر کنندگان معترض را مورد حمله قرار داده و به اسارت کشید. رفتار خشونت بار و مستبدانه وی علیه وکیل مدافع های معترض و خانواده های زندانیان هر گونه اظهار همبستگی و جانبداری از وی را غیر ممکن ساخته است.

روی دیگر سکه حمله نظامی ناتو است که خانم بریگیته کوک به حق مورد انتقاد قرار داده است که مشمول قطعنامه ۱۹۷۳ نبوده و از جانب ناتو مجاز نمی باشد. به همین دلیل نیز رفتار دولت المان که به ناتو کمک تسلیحاتی می

کند، همانگونه که کوک بدان انتقاد کرده است نادرست می باشد.
اما انتقاد به رفتار خلاف حقوق بین الملل از جانب ناتو بدین معنا نیست که ما به موازات آن به مستبدین و دیکتاتورهایی که از جانب ناتو به آنها حمله می شود کمک کرده و آنها را رهبران منتخب مردمان آن ممالک قلمداد کنیم.

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=5307>

در تلاکسکالا – ۱۳ جولای ۲۰۱۱

یادداشت:

این که در لیبیا چه می گذشت و قذافی چگونه به کمک غرب قادر شده بود، تا مردم لیبیا را در بند استبداد قبایلی نگهدارد، با تمام وضاحت آن، یک طرف قضیه است و اما این که ناتو درکل و کشور های حمله کننده بر لیبیا به صورت خاص، به هیچ صورت حق ندارند تا زیر نام بهانه های خود ساخته و یا عینی، به کشتار مردم یک کشور دست یازند، روی دیگر قضیه می باشد.

دائرة پورتال AA-AA